



# ۱۳۲

# سوسیالیسم امروز

۱۵ شهریور ۱۳۹۹ - ۵ سپتامبر ۲۰۲۰

iransocialist2017@gmail.com

سرور: آزکیما

www.simroz.org

## در مورد گرایش‌های درون جنبش کارگری

صفحه ۳

## نمایش مضحک ماه محرم از واقعیت تاریخی تا خرافه مذهبی

صفحه ۶

## بیانیه بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین صنفی و اجتماعی و مدنی، خانواده های زندانیان و جانب‌باختگان از ایران، در حمایت از اعتراض جعفر عظیم زاده

صفحه ۸

## بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده

## نه به اعدام!



کارگران، زنان،  
جوانان، مردم  
آزادخواه!

توقف ماشین کشتار و  
اعدام این حکومت  
جنایتکار و ظیفه ما است.  
مقابله با آن، اعتراض  
متحدانه علیه آن، ویران  
کردن چوبه‌های دار بر  
سربرگدار کتنگان آن،

تف کردن به روی تماشاجیان الله اکبر گوی صحنه‌های اعدام،  
بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه انسانی، سیاسی و آزادیخواهانه  
علیه کلیت این نظام فاشیستی است که از روز اول با کشتار دهها  
هزار نفری زندانیان و مخالفین خود سر کار آمده است.

مجازات اعدام، با هر بهانه و دلیلی باشد جنایتکارانه است و باید  
محکوم شود و متوقف گردد. مخالفین اعدام، اگر مخالفین راستین  
اعدام هستند، نباید بر حسب "ملیت" و "تولد" و "جنسیت" و  
غیره به محکومین به اعدام یز نند. اعدام انسان جنایتکارانه است!  
هیچ ربطی به "زنگ" و "ملیت" ندارد، منتسب کردن زندانیان  
سیاسی و محکومین به اعدام به "کرد" و "فارس" و "بلوچ" و "ترک"  
و "عرب" اشتباه محض است. کسی که این اسامی و بر  
حسب‌ها را برجسته و علم میکند به اندازه نفس اعدام کردن  
انسانها محرب و ضد انسانی عمل کرده است. این روایت به  
جنبش علیه اعدام آسیب میرساند و در راستای کمک به تداوم  
اعدام بخشی از محکومین به اعدام، و سکوت در مقابل بخش  
دیگری میباشد. در چنین حالتی امکان اعتراض کل مردم ایران به  
این پدیده وحشیانه را تضعیف و حتی منتفی میکنیم.  
اعدام ابزار طبقه حاکمه برای مرعوب کردن شهروندان است.  
همه طبقات ظالم و متکی به نظم سرمایه داری و ایدئولوژی  
ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی در جامعه به اعدام بطور کلی  
و اعدام و سرکوب مخالفین خود بطور اخص نیاز دارند. مخالفت  
با اعدام امر مردم و طبقه و جنبشی است که آرمانش برابری  
انسانها و هدفش طرد کردن و منزوی کردن موافقین و عاملین آن  
و پایان دادن به نابرابری و سرکوب و استثمار است. مقابله با  
اعدام و پایان دادن به آن امر مهم این جنبشها و انسانهای  
آزادخواه و پیشماری است که میتوانند متحدانه علیه آن به میدان  
بیایند.

## جنایت فراموش نشدنی شهریور سال ۶۷ و درسهای آن برای جامعه

سلام زیجی

بعد از تحمیل جریان ارتجاعی خمینی بر  
انقلاب آزادیخواهانه و ضد استبدادی شاه  
توسط دولت ارتجاعی امریکا و همراهی  
نیروهای ملی-اسلامی با آن پروژه ضد  
انقلابی، بعد از تحویل دادن ارتش و زندان  
و اوباش سرکوبگر شاهنشاهی به خمینی  
و شروع فوری سرکوب خونین انقلاب  
کتنگان، و در ادامه اعمال سازمانیافته  
جنایت عظیم ۳۰ خرداد سال ۶۰ و  
سالیان پس از آن، جنایت سازمانیافته تر  
و به مراتب خونین تر و هولناکتری، که  
در سایه خونین و کثیف "نعمت الهی"  
جنگ ارتجاعی و ویرانگر ایران و عراق  
هموارتر شده بود، از اوایل مرداد ماه  
شروع کردند و تا شهریور ۶۷ با کشتار  
قریب به ۳۰ هزار زندانی و دستگیر  
شدگان خیابانی در شکل انفرادی و  
دستجمعی، در زندان و بیرون زندان،  
ادامه پیدا کرد.

بدین ترتیب دهه شصت را تبدیل کردن به  
دهه ی آغشته به خون. دهه ی نسل کشی  
و نابودی گسترده انسانهای مبارز و  
کمونیست، و دهه جوغه اعدامهای  
بیشماری در تاریخ ننگین و سیاه  
جمهوری آدمکشان اسلامی ایران ثبت  
گردید. در این پروسه کوتاه مدت،  
مبارزین و آزادیخواهان و مخالفین  
حکومت اسلامی گیر افتاده و نسلی از

صفحه ۲

## کارگران جهان متحد شوید!



### جنایت فراموش نشدنی شهریور سال ۶۷ و...

انقلاب کنندگان علیه رژیم مستبد پادشاهی را در کام مرگ و خون فرو بردند. جنایتهای که هنوز هم جنایتکاران خون آشام و بیمار حاکم بر جمهوری اسلامی از آن علنا دفاع میکنند و آنرا منشا قدرت گیری خود میدانند. چهار دهه جنایت و کشتار و به تباهی کشاندن زندگی کارگر و زن و جوان آن مملکت ریشه در تاریخ آن رویدادها و مسیر جنون آمیز و خونینی دارد که جمهوری اسلامی بر بستر آن به قدرت رسید. به نسل امروز در ایران و جهان باید آن جنایات و تاریخ وحشتناک را یاد آور شد.

اما نشان دادن جنایت و آدمکشی آزمون و شناسائی و تلاش برای مجازات قاتلینی که هنوز در راس قدرت هستند گر چه بسیار ضروری است اما اصلا کافی نیست! فراتر از آن، یاد آوری آن تاریخ و جنایات هولناک و اینکه چرا چنین شد؟ و کلا تجربه شکست انقلاب سال ۵۷ بدست ضد انقلاب اسلامی و نقش مخرب دولت امریکا و غرب و ناتوانی و ضعف چپ و کمونیسم، و پوپولیسم و ناسیونالیسم غالب بر آنها در آزمون، و همچنین همکاری مستقیم نیروهای مرتجع با خمینی جلاد و غیره چنانچه توسط کمونیستها و رهبران طبقه کارگر و جامعه و نسل امروز به درستی درک و فهم نشود، روند پیشروی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعد از گذشت به چهل سال میتواند باز به شکست و ناکامی و نابودی نسل دیگری منجر گردد. در این دوره بسیار ضروری است که با صدای بلند از جانب هر نیرو و تریبون باشرفی این حقایق ساده بازگو شود و تاکید گردد که منادیان دو خرداد و فعالین ارتجاع سبز، و سازندگان اصلی دولت "اعتدال" و ملی-اسلامی ها و نهضت آزادیها و اکثریت و توده ایها، "دمکراسی طلب ها" و "خشونت گریز" های امروزی جزئی از صف یاران و همقطاران دیروز خمینی جلاد بودند و مستقیم و غیر مستقیم در فاجعه نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰ و شهریور ۶۷ و همچنین در کمک به تداوم تانکونی حاکمیت چنین رژیم قرون وسطی دست داشته اند و لازم است به عنوان جزئی از عاملان و قاتلین آن تاریخ هولناک، که جمهوری اسلامی را بر روی آن بنیان نهادند، رده بندی شوند.

از ۳۰ خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ تا آبان ۹۸، از کهریزک و کشتار کارگران و شلاق زدن کارگر و جوانان، از به فقر و نابودی کشاندن طبقه کارگر در این مملکت مملو از ثروت، تا اسید پاشی ها و "گشت های نامحسوس"، از سازماندهی شبکه های ترور و قمه کشی و اعدامهای پی در پی، تا جنگ افروزی در کشورهای منطقه و هزینه کردن ثروت جامعه در جنگهای تروریستی و کشتار مردم بی دفاع، از تداوم آپارتاید جنسی و فشار و سرکوب مداوم زنان و به قهقرا بردن امید و خواست و آرزوی نسل جوان همه و همه زنجیره جنایتهای غیر قابل چشم پوشی و بخش تفکیک ناپذیری از تاریخ نفرت انگیزی است که بر پیشانی این حکومت بورژوا -اسلامی و همه حامیان فارس، کرد، ترک و عرب زبان و جنبشهای "اصلاحات طلب" "ملی" و "مدنی" و "مذهبی" آنها حک شده است.

این رژیم را باید سرنگون کرد و سرانش را در ملاء عام محاکمه نمود! چه مرده و زنده باید محاکمه شوند! هر فردی یک روز در هرم قدرت دولتی و ارگانهای نظام اسلامی قرار گرفته و "خدمت" کرده باشد. بدون استثنا، کم و بیش، هر کدام به نسبت وزن و موقعیت جنایتکارانه و فاسدی که داشته است، شریک جرم این رژیم در چهار دهه کشتار و آدمکشی و فساد و دزدی و نابودی جامعه ایران هستند! هر نیرو و فردی، ولو با اندکی درک و برخورداری از احساس و آرزوی انسانی، و با حداقلی از خواست آزادی و برابری در وجودش باید برای از سر راه برداشتن چنین نظامی گامهای جدی بردارد. ما باید و موظف هستیم به این روند جنایتکارانه حاکمیت جمهوری اسلامی نقطه پایانی بگذاریم!

برای این هدف مهم و تحقق کم مشقت آن امروزتها شکلی از سرنگونی و انقلاب کردن می تواند به یک ایران آزاد و خوشبخت منجر گردد، که ماهیت و مطالبات روند سرنگونی و خیزشهای توده ای و کارگری ضروری است از لحظه تولد و در قدم اول متکی باشد به پرچم و سیاست و سازمان و حزب و رهبری سوسیالیستی و کمونیستی خود. متکی باشد به بسیج نیروی جنبش طبقاتی خود. متکی باشد به ابزارهای سرنگونی طلبانه و مبارزاتی سیاسی و سازمانی و مسلحانه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه و کارگری خود. این یعنی حداقلی از درس گرفتن از تاریخی که بدان اشاره شد.

کسی که سیاست موج سواری و یا همه با هم بودن را در پیش میگیرد همان دوره ویرانگر و فریبکارانه بورژوازی و اسلامی و خلقی سال ۵۷ را دارد تکرار میکند که عمیقاً فریبده و ضد کمونیستی است. جریاناتی که در پوشش مخالفت با جمهوری اسلامی و حتی در پوشش گرامی داشت از شهریور ۶۷ بر طبل ارتجاع مذهبی و قومی گری و فدرالی و شوینیستی ایرانی گری میکوبند فراخوان آینده ی به مراتب سیاهتر و هولناکتر از دوره کنونی حاکمیت جمهوری اسلامی به مردم ایران می دهند! اینها چیز بهتری از ویرانیهای امروز سوریه و عراق و افغانستان و یمن برای ایران به ارمغان نخواهند آورد! اگر طبقه کارگر و بخش آزادیخواه جامعه بخواهد برآستی آزاد گردد باید همه این نیروها و کل موجودیت این رژیم را یکجا جارو کند و از سر راه خود بردارد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران متعهد به سازماندهی ابزارهای جدی مبارزاتی و سرنگونی طلبانه با پرچم و هژمونی سوسیالیستی است. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی یک اقدام مهم در تسریع روند نابودی کلیت نظام فاشیست اسلامی ایران و گام بسیار مهمی در جهت دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، امن و سوسیالیستی خواهد بود!

یاد خانباختگان شهریور سال ۶۷ و همه جانباختگان راه آزادی و برابری و سوسیالیسم گرامی باد!  
نابود باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## در مورد گرایش‌های درون جنبش کارگری

منصور حکمت



نیا بدون فراخوان سوسیالیسم،  
بدون امید سوسیالیسم،  
بدون "خطر" سوسیالیسم،  
به چه منجلی بدل میشود!  
منصور حکمت

جنبش مجمع عمومی  
میتواند خیلی چیزها را  
ممکن کند که الان در  
دسترس کارگر نیست.  
بنابراین فراخوان  
میدهم به مبارزه‌ای که  
بطور دینامیکی این

چیزها را ممکن کند. آنطرف می‌گه مثلا الان غیرممکنه که مثلا  
فلان چیز را به من بدهند. بنابراین شخص ثالثی را می‌آورد توی  
کار، در رابطه با حقوق کارگر که اون راضی نیست، اون  
نمیگذاره، قانونش اجازه نمیده، بودجه‌اش اجازه نمیده و چیزهای  
دیگه. زور او نمیرسه. بحث بر سر تغییر امکانات طبقه کارگر  
است و گرنه توی هر مقطع یک روزه‌ای کارگر از اون چیزی که  
توی اون چهارچوب مقدوره نمیتواند بدست بیآورد. و نمیشود به  
این پشت کرد به دلیل امکان‌گرایی.

راجع به رفرمیسم و انقلابی‌گری هم راستش یک چنین بحثی  
داشتم (در ادامه صحبت‌های امیر). رفرمیسم یعنی اینکه (که ایرج  
هم گفت) افقش از تغییر جامعه، اصلاحات است. تغییر جامعه به  
مقیاس وسیع. نه اینکه برای اصلاحات تلاش میکند. راستش کلا  
انقلابی‌گری اگر بخواهیم یک معنی پراتیکی ازش بفهمیم یعنی  
بگوییم انقلاب کردن، مشغول انقلاب باشیم، چند باری ممکن است  
در زندگی هر کسی پیش بیاید که مشغول انقلاب کردن باشد و  
گرنه در سایر مواقع دارد مبارزه‌ای میکند که با یک تغییر به آن  
میگوییم مبارزه انقلابی و گرنه باز هم تمام میشود و می‌رود سینما.  
می‌رود ببیند بلیطش برده یا نه. یعنی اگر کسی انقلابی باشد قاعدتا  
باید همه اینها برایش منفی باشد. ولی دارد انقلابی عمل میکند در  
جامعه‌ای که ممکن است تا ۶ سال دیگر هیچ تغییری انقلابی نکند و  
جایی برای پراتیک انقلابی طرف به آن معنی که میفهمیم نداشته  
باشد. مبارزه برای اصلاحات یک جزء دائمی مبارزه کارگری و  
کمونیستی است. خصلت انقلابی یک کمونیست یا جریان  
کمونیستی طبقه کارگر از این درنماید که یک چیزی آنطرف‌تر  
از اصلاحات را الان میخواهد اجرا کند، نمیگذارد، جلوی دستش  
را رفرمیستها گرفته‌اند. به نظر من انقلابی‌گری یک خط  
کمونیستی در این شرایط غیر انقلابی در جامعه خودش را در  
فاکتورهایی در طول زمان نشان میدهد. این دارد چه سازمانی  
بوجود می‌آورد. این سازمانی را برای انقلاب بوجود می‌آورد.  
تشکلی برای انقلاب بوجود می‌آورد. آگاهی ذهنی و تفکری را به  
نفع انقلاب بوجود می‌آورد. انقلاب را تنها راه نجات میدانند. ایده  
انقلاب را ترویج میکنند. آدم انقلابی بار می‌آورد. این آدم انقلابی  
است بدون اینکه مشغول انقلاب کردن باشد. اگر بگویید مثلا چند  
ساعت کار در هفته، ممکن است عین حرف همان رفرمیسته، چند  
ساعت کار در هفته را بگوید،

← ادامه

آخرین صحبت‌های نادر در سمینار کمیته شهر  
(این نوشته متن خام پیاده شده از روی نوار است)

چند نکته متفرقه داشتم. بعد بحثی در مورد گرایش‌های کمونیستی و  
کارگری در درون طبقه کارگر و مشخصه‌های آن. نکات  
متفرقه‌ام یکی راجع به این بود که مصطفی گفت کارگری هست  
که چپی‌ها را قبول ندارد و غیره. من هم چپی‌ها را قبول ندارم،  
ولی به خودم می‌گویم کمونیست. من فکر میکنم که خیلی‌ها در این  
موقعیت هستند، چپی‌ای که در جامعه هست را قبول ندارند، واقعا  
نمیتوانند با او کنار بیایند. ولی اگر برود خانه و بچه‌اش ازش  
بپرسد اوضاع چطوره، می‌گه بابا جون تا کارگر سر کار نیاد این  
قضیه درست نمیشه. اگر زنش، همسرش، سرش را از روی  
تشت رخت بلند کنه و بگه توی شوروی که کارگر آمد سر کار،  
مگه چی شد، بگه اونجا هم کارگر سر کار نیست، من قبول  
ندارم. یک چنین آدمی بالاخره به خودش می‌گه سوسیالیست. من  
میگم موضع اونها راجع به سوسیالیسم چیه؟ موضعشان راجع به  
چپی‌ها هیچ چیزی را نشان نمیدهد. موضع طرف راجع به  
سوسیالیسم چیه؟ که ایرج هم صحبت کرد راجع به سندیکالیسم  
غیر سوسیالیستی که افقش هم سندیکالیستی است، جامعه  
آلترناتیو هم جامعه سندیکای آزاد. با کارفرماست که مینشینند،  
معامله میکنند، مذاکره میکنند و آن طوری وضعیت خوب میشه.  
بخش زیادی از کسانی که در تعریف مصطفی رفتند توی گرایش  
سندیکالیستی به نظر من توی گرایش کمونیستی هستند. به دلیل  
موقعیت ویژه چپ ایران و عدم رابطه‌اش با طبقه کارگر هیچوقت  
مجبور نبود، موظف نبود در چهارچوب سوسیالیسم حرف بزند.  
نمیتواند راحت در چهارچوب سوسیالیسم حرف بزند.

یک بحث دیگر در مورد امکان‌گرایی است. ببینید، امکان‌گرایی  
این نیست که آدم برای چیزهایی که ممکن است تلاش میکند.  
نقطه مقابل امکان‌گرایی، غیرممکن‌گرایی نیست. منظورم این  
است که بالاخره هر آدمی توی مبارزه برای مقدوراتی تلاش  
میکند و به این معنی حزب کمونیست هم بالاخره روی امکانات  
مبارزه میکند. امکان‌گرایی محل بوجود آمدن امکان است. چه  
چیزی را ممکن کرده است. بحث ما این است که شکل کارگری  
میتواند خیلی چیزها را ممکن کند.

**لطفاً برای تماس مستقیم با دبیرخانه حزب**

**سوسیالیست انقلابی ایران تنها با این آدرس**

**تماس حاصل کنید**

**[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)**

**نه به تحریم اقتصادی، نه به سیاست‌های دولت امریکا، نه به جمهوری اسلامی!**

## در مورد گرایش‌های درون جنبش ...



معمولا در ادبیات چپ منعکس است. در رهبری جنبش کارگری، کارگرها بعد از انقلاب ۵۷ خودشان را سوسیالیست میدانند. من فکر میکنم اگر چیزی برایش طبیعی و ذاتی است، سوسیالیسم است که باید برود و تکلیفش را با آن معلوم کند. خیلی هستند که به رژیم هیچ توهمی ندارند. خیلی‌ها هستند که به شوروی توهمی ندارند. به چین توهمی ندارند. اصلا تحت تأثیر این بلوک‌ها نیستند. خیلی‌ها هستند که میگویند باید جلوی اعتراض بود و بالاخره این طبقه را از این سوراخ درآورد. کارگر باید قدرت را بدست بگیرد. من میگویم این وسیع است. این طیف خیلی وسیع است. حالا ممکن است خیلی‌ها بطور بالفعل چهارچوب فکری‌اش را مجبور شود از جنبش جناح چپ سندیکالیسم (اگر بتوان گفت) یا از سنت‌های دیگر در طبقه کارگر بگیرد. یا سیمایش را گنگ گذاشته باشد. ولی واقعیت این است که آن کمونیسم کارگری است که توی مملکت در جریان است. کارماست که به نظر من چهره این گرایش را در مقابل بقیه مشخص میکند. من خطوطی را میگویم که اگر من آنجا بودم و به من میگفتند چه جور رهبر کارگری هستی چه جور کارگر هستی، چرا به خودت میگویی یک گرایش متمایز... اینها را میگفتم:

-در قبال مبارزه اقتصادی در تمایز با چپ سنتی و خرده بورژوازی ایران، کاملا به آن معتقدیم و به کسب چیزهای جزئی معتقدیم. معتقد هستیم ما باید در متن جنبش اعتراضی باشیم برای گرفتن هر چیز جزئی. اصلا جز این نمیشود. -در قبال کار علنی و توده‌ای میگفتم ممکن است. برخلاف آن چیزی که چپ سنتی ایران میگوید یا دوره دمکراسی است که میشود کارهای علنی صورت داد یا نیست که من بروم مخفی شوم یا جوخه درست کنم یا کمیته‌های مخفی، کار علنی ممکن است و راه من جنبش مجمع عمومی و یا جنبش شورایی است. اصلا دارد انجام میشود. خیلی جاها این کارها انجام میشود.

-در قبال تشکل توده‌ای میگفتم لازم است. حیاتی است که طبقه کارگر تشکل توده‌ای داشته باشد. فرق ما با آنها (که رفتند خانه کارگر و هر کس دیگر که بیرون خط من است) این است که من معتقدم که این تشکل‌ها را باید ایجاد کنیم. به همت خودمان و به زور خودمان به کرسی بنشانیم، بودندشان را و به

ادامه ←

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهمه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

(سلام زیجی)

ولی فرقتش این است که این یکی جای دیگری به چند ساعت کار در هفته میدهد و اون جای دیگری میدهد، و این یکی از کارهایش است. و بخش دیگری از کارهایش به قول مارکس افق عمومی جنبش را جلوی چشم میگذارد و برای آن هدف اساسی آماده‌اش میکند. آن کسی که تشکل کمونیستی میسازد و بحث از انقلاب کارگری میکند و بعد میرود برای ۴۰ ساعت کار مبارزه میکند، گرایش انقلابی است. قرار نیست کار بیشتری از این بکند. در رابطه با مبارزه و جنبش مطالباتی میخوام بگویم در جنبش مطالباتی من انقلابیگری را نمیفهمم، راستش به تنهایی. اگر فقط آن را قابش کنی، انقلابیگری در جنبش مطالباتی یعنی چه؟ اگر دقیق شوی میبینی انقلابیگری یعنی اینکه با چه نیرویی، مطالبه را میخواهد بگیرد؟ در این جنبش اعتراض به گرفتن آن مطالبه، چه چیز دیگری را دارد آماده میکند؟ چه کسی را بار میآورد؟ چه ایده‌هایی را نشر میدهد، در مبارزه‌اش برای همان مطالبه... و گرنه با پس و پیش کردن خود مطالبه، به نظر من هیچکس از رفرم به انقلاب تغییر نمیکند. چون بالاخره مطالبه است، آخر آخرش مطالبه است. هیچکس نمیتواند جامعه کمونیستی را از کارفرمایش مطالبه کند. یک کارخانه هست، داری اعتراض میکنی به شرایط. بالاخره همه کارخانه را هم که دستت بدهد، بالاخره باز هم رفرم شده است. چیز عجیبی پیش نمیآید. انقلابی نمیشود اگر من تمام سهام کارخانه را به اسم شما کارگران بکنم. باز هم اصلاحات شده است. بنابراین انقلابیگری خط انقلابی یا کمونیستی و خطر رادیکال، در این خودش را نشان نمیدهد که در جنبش مطالباتی چه مطالباتی را مطرح میکند. مساله اینجاست که جنبش مطالباتی کجای کار عمومی‌اش قرار دارد.

اصلا اینطور فکر میکنم در جنبش کارگری ایران قویترین گرایش، گرایش کمونیستی است. من شخصا استنباطم این است. بالقوه قویترین گرایش است. یعنی ماتریال انسانی‌اش از همه بیشتر است. الان توی سطح رهبری جنبش اعتراضی وقتی که نگاه میکنی. چون تقریبا این جریان است که وقتی مجموعه اعتراضات و مطالباتش را پهلوی هم میگذاری میبینی که تو تصویری از برنامه حزب کمونیستی به آن داده‌ای. وقتی شما حساب کنید جنبش اعتراض کارگران چی‌ها خواسته و چی‌ها میخواد و اینها را پهلوی هم بچینید و بگویید این برنامه این رهبران است، یک تعدادشان گفتند آن را بده، یک عدشان گفتند آن را بده، یک عدشان گفتند آن حق را میخواهیم و یک تعدادشان گفتند آن حق را میخواهیم، وقتی پهلوی هم میگذاری، بعد توی احزاب سیاسی دنبالش بگردی، میبینی اینها مصادف میشود با مطالبات حزب کمونیست. نه مجاهدین، نه راه کارگری‌ها و نه لیبرالها. مصادف میشود با مطالبات سنتی کمونیستها. به این معنی این حرکت نیروی فعال جنبش رادیکال کمونیست توی جامعه است. منتها چقدر این هویتش پرداخت شده و روشن شده و برای خود آن فعالین شناخته شده است، این یک بحث دیگری است. من فکر میکنم این آدمها خودشان را سوسیالیست میدانند، خیلی بیشتر از کسانی که یا آن تعداد که

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

## در مورد گرایش‌های درون جنبش ...

رسمیت شناختن شان را. فرق ما اینجاست.

-چه تشکلی؟ بحث ما این است که برای شرایط ایران شورا بهتر است. جنبش مجمع عمومی راهش است. جنبه قانونی آن چه اهمیتی دارد؟ می‌گفتم خیلی اهمیت دارد، باید مشروعیت قانونی بگیرد. باید به کرسی بنشانیم. نمیتوانیم همینطور نگاهش داریم.

-در قبال سازمانهای دولتی چی میگی؟ من می‌گفتم همه‌اش را باید منحل کرد. سازمانهای کارگری دولتی، همه را باید منحل کرد. موضع من تحریم است.

-کمونیست بودن تو، خودش را در چه نشان میدهد؟ همان که گفتم. می‌گفتم این چیزهایی که گفتم بخشی از فعالیت ماست بعنوان یک خط. ما داریم ایده‌های انقلاب کمونیستی را پخش میکنیم. سلولهای کارگری بوجود میآوریم که به این ایده‌ها متعهد هستند، حول این ایده‌ها شکل گرفته‌اند. ادبیات کمونیستی را میان آنها میخوانیم. کانونهای کمونیستی درست میکنیم. شبکه‌های کمونیستی درست میکنیم. حتی سازمان حزبی کمونیستی درست میکنیم. تهییج میکنیم انقلاب کارگری را و حکومت کارگری را. کس دیگری این کارها را نمیکند، ما میکنیم.

راجع به ایدئولوژی و تئوری؟ ما مارکسیست هستیم. فکر میکنیم این تئوری خوب است. و مشکلی نداریم. قابل کاربست است. ابهام خاصی در آن نداریم. در تمایز با فلانی و فلانی که شش تا تجدید نظر کرده‌اند، احتیاج به تجدید نظر نداریم.

-راجع به حزب؟ من می‌گفتم طبقه کارگر به حزب کارگری احتیاج دارد. حزب کارگری و کمونیستی احتیاج دارد. باید ساخت. یا می‌گفتم حزب کمونیست هست، یا باید کاری کرد. ولی بی حزب هم میشود، حالا باید دید لیبرالها چه میکنند، این خط من نیست. نمیدانم عنصر تاریخی فدایی، خط من نیست. حزب کارگری باید وجود داشته باشد.

-در قبال اتحاد عمل؟ می‌گفتم اتحاد عمل یک مقوله کارگری است. مجبور به اتحاد عمل هستیم با هر خطی که بیاید بر سر آن مطالبات معین و می‌خواهد آن هم کاری بکنند. من این را در مبارزه پیدا میکنم. اگر جنبش مجمع عمومی است، ما توی مجمع عمومی هستیم. اگر مساله اعتصاب است حتما میشینیم، همه ما اعتصابیون حرف میزنیم. روی اتحاد عمل موضع من این است. خط مشی حزبی‌ام یک چیز دیگر است. با احزاب ممکن است من اتحاد عمل بکنم یا نکنم. با کارگر بغل دستم که توی همان مبارزه است، از هر قماشی که باشد، اگر توی همان مبارزه هست اتحاد عمل من امری است طبیعی.

-در قبال رژیم چه می‌گوئی؟ میگم باید سرنگون بشه، خیلی ساده. فرق من با صد نفر دیگر که ممکن است بگویند نباید سرنگون بشه.

-راجع به ناسیونالیسم؟ باید ریشه ناسیونالیسم را از ایران برکنند. ده شاهی اعتقاد به دکتور مصدق و بنی‌صدر و این طایفه ندارم. به تمامیت ارضی هم اعتقادی ندارم. به لیبرالیسم هم همینطور، مذهب هم همینطور. چهار خط هم راجع به آنها دارم بعنوان آن خط رادیکال.

من می‌گویم ما باید کمک کنیم که چنین تصویری از یک خط در طبقه کارگر بشود تصور خودش ازش در مقابل گرایشهای دیگر و خود همین خطوط هر کدام ما را از یک طیفی تفکیک میکند. چه آنکه زده است زیر تئوری، چه آنکه با یک گرایشهای حزبی کنکرت وجود دارد. آنکه به کار قانونی اعتقاد ندارد. آنکه اعتقاد دارد و فکر میکند کار قانونی کار ملتسمانه است آن را هم قبول ندارد. آنکه می‌گوید باید سندیکا درست کرد من جواب میدهم باید شورا درست کرد. باید هر کدام از این تکه‌هایی که تجسمی از این گرایش میدهد، خودش نشان میدهد که با بقیه طیفها چه بحثی داریم. چه اختلافی حس میکنیم.

بحث من خلاصه‌اش این است: فکر میکنم باید به این جواب داد. آیا این حرفها هوایی است؟ بحث همانطور که از همان اول گفتیم اینطور نیست. این تمایل طبیعی و منطقی بخش زیادی از رهبران کارگری ایران است. منتها اگر چه را قبول ندارد، یک نقطه مثبت است. چون گفتم خودم هم چه را قبول ندارم. کسی که این اعتقاد را داشته باشد باید یک مقدار این چه را قبول نداشته باشد. چون او هم نصف اینها را قبول نداشته و همین الان هم قبول ندارد. یا مثلا کارگری که به مصطفی می‌گوید چه‌ها فلان. من نمیدانم راجع به مصطفی چه فکر کرده بود. باید بروم ببینم در خانه‌اش چه می‌گوید. به رفیقش چه می‌گوید. سازمان چه خیلی مراجعه میکند به کارگر. رفیق داشته‌ایم که گفته است آقا جان دور و بر من پیدایتان نشود. فقط یک جوری روزنامه‌تان را بدست من برسانید. به نظر من آن آدم سوسیالیست خیلی جدی است. بخصوص جمله اولش که دور و بر من پیدایتان نشود! به این معنی من فکر میکنم ماتریال انسانی‌اش هست. گرایش واقعی‌اش هست. دارد اعتراض و اعتصاب میکند. نمی‌گویم گرایشهای دیگری نیستند و کسانی که مرزبندی دارند با این حرفها، فعال نیستند و در رأس جنبش اعتراضی خیلی جاها نبوده‌اند. ولی این گرایش هست و خیلی هم فعال است. به نظر من اگر کسی در جمهوری اسلامی و زیر این فشار مذهبی و با این به اصطلاح فشار به سازش که روی طبقه کارگر حاکم است هنوز دارد اعتراض میکند، آن هم جلوی جنگ سر ساعت کار، جلوی جنگ سر سود ویژه، جلوی جنگ سر اضافه دستمزد، حتما چنین تپیی است. وگرنه اگر طور دیگری بود، دولت هزار و یک جور سوراخ جلوی پیش گذاشته بود که راهش را کج کند و از آن سوراخ بیرون برود.

یک نکته دیگر بگویم راجع به جمهوری اسلامی. یکی از رفقا یادم نیست کدامیک از رفقا در صحبت‌های اشاره کرد که این خیلی مهم است. به نظر من جمهوری اسلامی فرقی با رژیم شاه این است که به خودش در دل یک انقلاب مشروعیت داده است. در نتیجه خیلی طبیعی است، خیلی از کارگران فکر میکنند (امیر بود گفت دستگاهی بودند) دستگاهی بودن با این رژیم خیلی فرق میکند با دستگاهی بودن با یک رژیم دیگر. آخر انقلاب کرده، بعد جنگ کرده، کفایت کمی ناسیونالیست باشی، کمی مذهبی باشی تا این رژیم یک رژیم مشروعی به نظر بیاید. انقلاب ۵۷ هم پشتش است و علیه آمریکا. خیلی فرق میکند که یک کارگری گرایشهای به اصطلاح اصلاح طلبها و غیره با این دولت بیایند و بروند. بگویند میشود در این چهارچوب کار کرد چون مثل رژیم شاه نیست و مناسباتش با طبقه کارگر مثل رژیم شاه نیست. مناسبات فکری‌اش. به یک بهانه‌های دیگری سر کار است و این بهانه‌ها را توانسته است در مغز یک عده‌ای بکند. دقیقا به همین دلیل می‌گویم در شرایطی که کسی خارج این قضیه می‌ایستد دیگر باید ببینیم چقدر چه است. خود این نشان میدهد کسی که توی یک چنین جوی می‌ایستد و خارج حکومت و نمی‌خواهد داخل شورای اسلامی برود، نشان میدهد چقدر ناسیونالیست نیست، چقدر مذهبی نیست، چقدر چه است. چقدر خط حزب توده را نمی‌خواند. من می‌گویم اینها شاخصهای واقعی است. چون حزب توده که آنجاست، این که آنجا نیست یعنی آن خط را نمی‌خواند. به شوروی توهن ندارد. از انقلاب ۵۷ هم یک جمع‌بندی دیگری دارد و به چه هم یک موضع و برخورد دیگری دارد. کاملا نشان میدهد که کارگری که بیرون از شورای اسلامی می‌ایستد، بیرون انجمن اسلامی، و اعتراض میکند و مطالبه خودش را مطرح میکند چقدر چه است و چقدر آگاهانه چه است. من این را شاخصی از این قضیه می‌گیرم با توجه به وضعیت جمهوری اسلامی.

این نوشته متن خام پیاده شده از روی نوار ضبط شده در جلسه ک.ش است و هیچوقت تصحیح نشده است.

hekmat.public-archive.net #1490fa.html

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## نمایش مضحک ماه محرم از واقعیت تاریخی تا خرافه مذهبی

آذر کیمی

اما راه رهایی واقعی پایان دادن به حکومت اسلامی و کلیه حکومت‌های است که از پول و ثروت باد آورده شهروندان این بازار فساد و مفتخوری مذهبی به راه انداخته اند تا حاکمیت استبدادی و ضد انسانی خود را در سایه آن توجیه نمایند و تعدادی را فریب و در حماقت دین فرو ببرند، که متأسفانه چنین هم شده است.

دین از هر نوعی نه فقط افیون توده ها که محصول جهالت بخشی از از تودهای تحت انقیاد نظام‌های ظالم و رهبران شیاد است. مذهب هیچ بخشی از ارتجاع قرون وسطی بر دیگری برتری ندارد!، همه نوعش چرکین و کثیف و دروغ و نیرنگ و جنایتکارانه است، به ویژه در جای که دستش به قدرت دولتی و سیاسی رسیده باشد. یا روحانی و خامنه ای و خمینی مسلمانند اما اردوغان و شیوخ عربستان و ملا عمر و بن لادن و خلیفه داعش مسلمان نیستند، در حالی که همه این ها در جهت پیاده کردن شبه حکومت مذهبی و فاشیستی محمد می کوشند، و همه جنایاتی که محمد، علی، عمر، ابوبکر عثمان، و امامان شیعه در دوران جاهلیت بشر انجام داده اند اکنون در قرن ۲۱ تکرار می کنند.

نه تنها به لحاظ ایدئولوژی و پرستش خدا و غیره تفاوت چندانی با هم‌دیگر ندارند بلکه در دشمنی و خصومت بر جهان آزاد و برابر و بدون جنگ و خشونت با همکاری حاکمان جهان سرمایه داری به اصلاح متمدن و سکولار خود را با هم‌دیگر مسابقه خشونت طلبی و جنگی می دهند. بنابراین اختلافات آنها نه بر سر منافع مردم و آزادی هایش بلکه بر سر تقسیم ثروت و قدرت و حاکمیت است. محمد و علی حداقل صدها بار با شمشیر هایشان و با دست های مبارکشان سرهای انسان های "کافر" بی شماری را از تن شان جدا کرده اند قربانیان خود را به دو یا چند قطعه تقسیم کرده اند و بنابراین ترور و تکه تکه کردن مخالفین توسط سربازان گمنام امام زمان حکومت اسلامی ایران بریدن سر روزنامه نگار کارگران و.....، و توسط داعش و گردن زدن توسط حکومت عربستان ادامه همین وحشی گری های محمد و علی است.

اگر عموم انسانها می دانستند که تنها یکبار و ان هم در دنیا واقعی این کره خاکی فرصت زندگی دارند شاید فلسفه زندگی خود را بر مبنای آزادی شادی و برابری بنا می کردند و زندگی و سرنوشت خود را به دست قضا و قدر چیز موهومی به نام الله و خرافه دین هایش نمی دادند. در این نوع زندگی جاری برای تبعیض نا برابری خشونت جنگ و تباهی و نابودی زندگی دیگر انسان ها باقی نمی ماند.

**ننگ و نفرت بر همه ادیان و مذاهب و خرافه در جهان! مرگ بر جمهوری اسلامی ایران! زنده باد جهان عاری از اسلام و مسیحیت و همه ادیان و خرافه پرستی! زنده باد علم و دانش! زنده باد سوسیالیسم!**

همه مذاهب خرافه اند!، و در این میان مذهب شیعه از همه مرتجع تر و خرافی تر است. مذهب خرافه و ابزار در دست سیستم سرمایه داری در جهان است. و در طول تاریخ انسان، در هر جای جهان که مذهب به قدرت رسیده فجایع بی شمار انسانی افریده است و به ویژه کابوس بزرگی برای زنان و دختر بچه ها و نیروهای آزادیخواه سوسیالیستی و کارگری است.

اکنون در ایران ماه هولناک محرم و عاشورا و تاسوعا در جریان است محرم یکی از ماه های پر رونق و پر در آمد و پر جنب و جوش بازار مکاره تبلیغ و ترویج و در آمد اخوندها و دار و دسته های مذهبی است. حکومت اسلامی ایران سعی دارد به مناسبت های مختلف از جمله ماه محرم ایدئولوژی ارتجاعی مذهبی خود را هر چه بیش تر تبلیغ و ترویج کند و با بهره برداری سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از نا آگاهی و شعور پایین بخشی از شهروندان جامعه احساسات ان را تحریک کند تا همه مسایل جامعه از مبارزات و مطالبات و فقر و بیکاری و فساد گسترده گرفته، و از مسابقات فوتبال و کنسرت گرفته تا تشدید و سانسور و اختناق و بی حقوقی در جامعه و تشدید سرکوب زنان، کارگران، دانشجویان جوانان و هنرمندان و نویسندگان و روزنامه نگاران و فعالین عرصه های مختلف سیاسی اجتماعی و انسانی را تحت تاثیر این روزهای مذهبی قرار دهند و موقعیت ارتجاعی خود را باز هم تحکیم بخشند. این خاصیت محوری مضحکه عاشورا و مراسم مذهبی برای حکومت اسلامی و سرمایه داران است.

در این شرایطی برخی های با ظاهری بسیار مدرن و سیمایی جوان سوپر ایرانی اروپایی اما با کله ای پر از خرافات ملی و مذهبی که اکنون در دنیای مجازی و غیره فیلم ها و برنامه های محرم و تاسوعای عاشورا را پخش می کنند و به حسین مدال رزمنده و انقلابی در برابر ظلم می دهند. در صف نخست قمه زن ها کسانی را می بینیم که به لات ها و چماقدارها و قداره بندهای و دعوا کن های شهر ها معروفند اند. آنها ها قمه های بزرگ در دست دارد و ان چنان با فریاد یا حسین ان را در هوا می چرخانند و لبه تیغ را بر سرشان فرود می آورند که در یک چشم به هم زدن کفن سفیدشان رنگ گلگون و قرمز یعنی رنگ خون به خود می گیرد. برخی ها از این نوع اسلام می گریزند اما به مذاهب دیگری هم چون مسیحیت، یهودیت، زرتشت و غیره روی می آورند، یعنی از چاله در نیامده به چاه دیگری سقوط می کنند.



**نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

خرافه مذهبی و ناسیونالیستی همواره دو رکن ارتجاع شاه و شیخ، و هر دولت و حزب مذهبی و ناسیونالیستی به منظور حراست از نظام سرمایه داری و حکومت‌های مستبد و مردم فریب دینی و ملی گرایی بوده است. ننگ بر هر دو تاشان!

بند ۱۱: ننگ و نفرت بر اسلام از جمله نوع شیعه گری آن



- ده ماده ای خاتم مریم رجوی برای ایران آزاد فردا
- ۱- تنها ملاک آزادی مردم
- ۲- نظام تحریت گرا و آزادهای فردی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- جدایی دین از دولت
- ۵- برابری زن و مرد
- ۶- ایرانی با یک نظام قضایی مدرن
- ۷- احترام به حقوق بشر و منع هرگونه تبعیض
- ۸- حق مالکیت خصوصی و بازار آزاد
- ۹- سیاست خارجی بر اساس صلح و همکاری
- ۱۰- یک ایران غیر اتمی



ادم مذهبی که افکارش بسته به دوران غارنشینی است چطور ممکن است نو اندیش دینی باشد



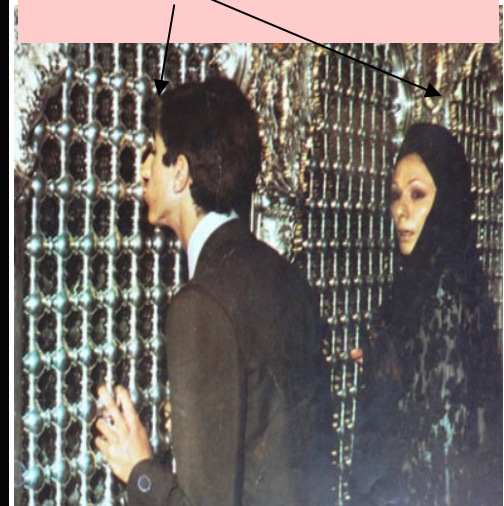
«مرگ بر آمریکا»  
شعار مقدس ملت ایران

وحدت کلمه رمز مقدسی است که امام خمینی بار دیگر بران تاکید و آن را با زگو کردند. رمز وحدت ما تا دیروز شعار مرگ پرشاه خائن بود و امروز مرگ بر امپریالیزم آمریکا است و در مسیر این دو کلمه مقدس بود که شهدای ما جان باختند تا راه را برای سایر کلمات یگانه ساز توحیدی باز کنند.

اطلاعات: ۶ خرداد ۱۳۵۸ - صفحه ۴



تف بر رویت ای شاهنشاه!  
بوسیدن پای کثیف شاه از طرف یک فرد زحمتکش و بوسیدن مرقد کثیف امام رضا از سوی ولیعهد نفهم شیعه مسلک پسر شاه، با نگاه چادر پوش مادری که شاه نرسالار همسرش نه او را و نه هیچ زن دیگری را برابر با مردان نمی دانست



مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

## بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده

جعفر عظیم زاده رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز ۲۶ مرداد در پی انتقالش به زندان رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زده است و امروز بیستمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر میگذراند.

طبق اخبار منتشر شده که از داخل زندان به بیرون درز کرده است جعفر عظیم زاده از هفته قبل از خوردن قند نیز خودداری نموده است و سه روز است که تنها آب میخورد اما معده‌اش آب را هم پس میزند. در هفته‌ی اخیر نیز تلاش‌های همسر وی برای موافقت دادیار ناظر بر زندان‌ها برای ملاقات خانواده با جعفر و یا تماس تلفنی جعفر با خانواده بی نتیجه مانده است و مسئولین نه اجازه تلفن به جعفر می‌دهند و نه اجازه ملاقات خانواده با او.

جعفر عظیم زاده کماکان در سلول انفرادی محروم از تمام امکانات زندان (هواخوری، کتاب، روزنامه، تلویزیون، تماس تلفنی و ملاقات) محبوس است در حالیکه بایست سریعاً آزاد گردد و برای درمان به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شود.

جعفر عظیم زاده بخاطر فعالیت‌های صنفی کارگری و سازماندهی اعتراض چهار هزار نفره کارگران برای افزایش دستمزدها توسط نهادهای امنیتی دستگیر و توسط قوه قضاییه به شش سال زندان محکوم گردید. با آغاز شیوع بیماری کرونا و بخشنامه آزادی زندانیان در تاریخ ۲۸ اسفند ۹۸ بایست آزاد میگردید اما حفاظت اطلاعات سپاه بخاطر اینکه مانع از آزادی وی گردد اقدام به پرونده سازی مجددی علیه او نمودند که در اردیبهشت ماه به ۱۳ ماه حبس مجدد محکوم شد و کماکان او را در زندان نگه داشتند. به دنبال این اقدام برای اینکه صدای اعتراض این کارگر زندانی را خفه کنند و به قصد نابودی او، در اقدامی فریبکارانه و با اعلام انتقال او به بیمارستان، جعفر را به زندان رجایی شهر منتقل نموده و در سلول انفرادی محبوس کردند.

نهادهای امنیتی و مسئولین زندان حتی حاضر نیستند که جعفر را به بند عمومی منتقل کنند تا جامعه و خانواده را در بیخبری کامل از وضعیت این فعال کارگری نگه دارند. تمام این اقدامات ما را بیشتر بر این باور استوار میکند که نهادهای امنیتی در صدد کشتن جعفر عظیم زاده هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام نگرانی شدید از تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی و بستری او در بیمارستانی خارج از زندان برای مداوا است. همچنین اعلام می‌کنیم چنانچه این روند ناحق در حق جعفر عظیم زاده ادامه یابد قطعاً ما به همراه دیگر کارگران و آزادخواهان ساکت نخواهیم نشست و به هر طریقی که ممکن باشد چه در سطح جامعه و چه در سطح بین‌المللی دست به اقدامات اعتراضی خواهیم زد.

#جان جعفر عظیم زاده در خطر است  
#جعفر عظیم زاده آزاد باید گردد  
#آزادش کنید

اتحادیه آزاد کارگران ایران - چهاردهم شهریور نود و نه

## بیانیه بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین صنفی و اجتماعی و مدنی، خانواده های زندانیان و جانبازان از ایران، در حمایت از اعتراض جعفر عظیم زاده

### جان جعفر عظیم زاده فعال کارگری در خطر است

دیربست که ما شاهد فشار، دستگیری، شکنجه، اعترافات اجباری و حبسهای طویل المدت فعالین کارگری، کودکان، زنان و دانشجویان و سایر فعالین مدنی هستیم.

سالهاست مردم با گرانی و فقر دست و پنجه نرم میکنند. سالهاست کارگران و معلمان، بازنشستگان، پرستاران و اقشار دیگر جامعه را به جرم خواست پرداخت حداقل دستمزد و حقوق پایه ای شان دستگیر میکنند، شلاق میزنند و به زندان میاندازند.

جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به حداقل دستمزد تعیین شده توسط مسئولان اقتصادی کشور و به جرم جمع آوری طومار اعتراضی چهل هزار امضا به تعیین حداقل دستمزد به پنج سال زندان با اتهامات امنیتی روبرو شد.

او قبلاً نیز در سال ۹۵ سلامت جسم و جان را گذاشت و علیه امنیتی کردن فعالیت‌های فعالین صنفی و اجتماعی ۶۳ روز دست به اعتصاب غذا زد.

امروز جعفر عظیم زاده مجدداً در زندان است. با وجود اخطارهای وی در بدو شیوع کرونا و خواست آزادی تمام زندانیان، نه تنها به هشدارها و خواست وی توجه نشد بلکه با مرخصی او مخالفت شد و برای وی پرونده و حکم جدید تشکیل و صادر نمودند.

#جعفر عظیم زاده در زندان اوین به کرونا مبتلا شده بود و باید به بیمارستان منتقل میشد، اما بدون اطلاع قبلی و به بهانه اعزام به بیمارستان او را به سلول انفرادی زندان رجایی شهر کرج انتقال دادند.

#جعفر عظیم زاده در اعتراض به انتقال ناگهانی به زندان رجایی شهر کرج، بیخبر نگه داشتن خانواده از وضعیت او و عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در زندانها برای مقابله با کرونا از یکشنبه ۲۶ مرداد دست به اعتصاب غذا زده است.

ما امضا کنندگان این نامه ضمن محکوم کردن بازداشت و زندان فعالین صنفی و اجتماعی و مدنی، خواستار انتقال هر چه سریعتر و بدون قید و شرط جعفر عظیم زاده به بیمارستان جهت درمان و آزادی وی میباشیم.

۱۳ شهریور ۹۹

نشریه سوسیالیسم امروز: لطفاً برای دسترسی به اسامی به این لینک رجوع شود/ <http://www.azadi-b.com>

J/2020/09/post\_904.html



## نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هممنوعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی پی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتوانند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها پا برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو پا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنها را دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاخداری هستند که شیادان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنها بخورد طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم آلترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به

مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۳ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸

www.simroz.org Z\_zijji@yahoo.se

شونیسم و ملی گرایی و اسلام دو روی سکه یک طبقه و جنبش ارتجاعی اند!

جمهوری اسلامی ایران  
سوسیالیست انقلابی ایران  
www.simroz.org

درخواست عضویت از حزب



### ﴿ فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ﴾

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب ..... با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.  
امضا...  
تاریخ...

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

آدرس مایل ارسال  
درخواست عضویت

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

ایسپا: بیش از ۸ درصد خانوارهای ایرانی در طول سال گوشت قرمز مصرف نکرده‌اند



بازار تهران (عکس از آرشیو)

نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد که ۸.۲ درصد خانوارهای ایرانی در طول سال گوشت قرمز مصرف نکرده‌اند.

تمام جنایتکاران تاریخ، تمام دولتمردان و حامیان سرمایه داری، همه نیروها و جنبشهای ارتجاعی، همه اسلامی ها و راسیستها و ناسیونالیستهای دنیا، برای سرکوب و فریب جامعه و زمینه سازی برای اعمال قدرت خود و سرکوب طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی به مزخرفات این کتابهای مملو از دروغ و فساد و جنایت همواره متکی بوده و هستند، هر چند خودشان هم میدانند آنچه که در دست گرفته اند یک تکه پاره کاغذ گندیده و پوچی بیش نیست!



همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

**به ما کمک مالی کنید**

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

## زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی!

کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنهاست که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به "قوانین" دوران وحوش، و بخاطر مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار مینمایند سزوار شدیدترین مجازاتها هستند. اقدام برای مجازات انقلابی-توده ای این مزدوران وحشی عادلانه ترین شکل برخورد جامعه علیه آنها است، و بدون تردید باید آنرا در همه نقاط کشور به اجرا گذاشت!

مردم آزادیخواه!، جوانان!

در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحدهای مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید.

برای همفکری و راهنمایی های لازم با آدرس مایلهای زیر میتوان تماس گرفت:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

زنده باد واحدهای  
مقاومت انقلابی!  
مرگ بر جمهوری  
اسلامی!

آدرسهای تماس:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشانشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

**اخراج و بیکار سازی موقوف!**